

نقش محبت به همسر در سبک زندگی اسلامی و تحکیم خانواده بر اساس رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

سید ضیاءالدین علیا نسب^۱، حسین جلائی نوبری^۲

^۱. سیدضیاءالدین علیان نسب دانشیار گروه قرآن و حدیث. دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) قم

^۲. عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور استادیار

و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-ایران

نویسنده مسئول:

حسین جلائی نوبری

چکیده

تأمین سعادت جامعه به ویژه خانواده، همیشه بعنوان گمشده اصلی انسان های فهیم گذشته و حال و حتی آینده بشری بوده و با شمع های کم نور، راه های پر پیچ و خم دنیا را به امید دست یابی به آن طی می کنند؛ چرا که هر صاحب اندیشه ای به اندازه درک خود نسخه ای پیچیده است، ولی جواب قانع کننده ای نیافته اند؛ چرا که از انسان شناخت عمیق ندارند و تنها تعاریف و راه کارهای رسم الخطی ارائه نمودند. و به اعتقاد ما باید راه چاره اندیشی را از خالق و صانع این انسان و فرستندگان برجسته خدا دریافت کنیم که به دور از خطا و گناه هستند. از این روی، نوشتار حاضر با استناد به آیات و روایات بخصوص رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، به شکل کتابخانه ای و مطالعه منابع اسلامی، بدین سوال پاسخ داده که: مشکل اصلی خانواده های متزلزل و نابسامانی های خانوادگی چیست؟ و عوامل تاثیر گذار در زندگی و تحکیم خانواده و سبک زندگی سالم، کدام است؟ نتیجه تحقیق بدینجا رسید که محبت به همسر بر اساس اندیشه اسلامی و سیره معصومان، حق همسران است که باید از جانب زن و شوهر به ویژه مرد نسبت به همسرش در گفتار و کردار همسران نمود عینی داشته باشد و عامل سعادت دنیوی و زمینه ساز جامعه سالم و آخرت انسان است.

واژگان کلیدی: همسر، خانواده، حقوق، مسئولیت، مشترک

مقدمه

خدای جهان خلقت در انسان (زن و مرد) بنا به مصالحی، کمالاتی آفریده و کاستی‌هایی نیز قرار داده است. که اگر زن و مرد از راه صحیح (ازدواج) به هم برسند. کاستی‌های یکدیگر را جبران کنند یک زندگی شیرینی پدید آید. عاطفه و سخت‌گوشی زن و مرد یکسان نیست که اولی به عاطفه و دومی به کارهای سخت قابلیت دارد. این زندگی شیرین، زمانی محقق می‌شود که زن و مرد در همان موقعیت خود باشند. امروز موضوع دفاع از زن و حقوق طبیعی او با بوق کرنا جهان را در نوردیده، در حالی که در میان همین مدعیان و مدافعان حقوق زنان، تا مدتی پیش هیچ حقی در زندگی برای زنان قابل نبودند. این نیز زنان دست آویز گرایز عده‌ای قرار گرفتند که حقوقشان بدتر از گذشته پامال می‌شود در حالی که، سوره‌ای در قرآن به نام نساء شهرت یافته و باب‌های مهم فقهی در شریعت اسلامی مانند نکاح و طلاق وظهار و ایلاء ودهها حکم دیگر به مسائل و مشکلات زنان اختصاص یافته است. روزگاری در غرب، و جوامع غیر الهی، محدودیت‌های افراطی همانند بردگی درباره زنان اعمال می‌شد و اکنون شعار آزادی بی حد و مرزی زنان را می‌دهند که رشته خانواده را گسسته و جوامع انسانی را از داشتن خانواده های گرم و صمیمی محروم کرده و عاطفه و مهر سرکوب گشته است حتی بسیاری از مردمان کشورهای اسلامی نیز تحت تأثیر شعارهای آنان گرفتار شده و خود را باخته‌اند که عاطفه و مهر همسری و فرزندان و خانواده صمیمی به فراموشی سپرده شده و گرفتار زندگی ماشینی شده و اعضای خانواده و فرزندان نیز دور از تعالیم صحیح زندگی می‌کنند. این نوشتار در نظر دارد با مراجعه به منابع اسلامی اعم از قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام به ویژه از دیدگاه رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، مشکل اصلی خانواده‌های متزلزل و نابسامانی‌های خانوادگی جستجو کند و به این سوال پاسخ دهد از دیدگاه اسلام؛ مشکل اصلی خانواده‌های متزلزل چیست؟ و عوامل تأثیر گذار در زندگی و تحکیم خانواده و سبک زندگی سالم، کدام است؟ و آموزه‌های اسلامی در سبک زندگی اسلامی مانند محبت به همسر در این خصوص چه تأثیری دارد؟ فرض مقاله این است که محبت همسران نسبت به همدیگر بخصوص محبت مردان بر زنان خود از حقوق مهم همسران تلقی شده و زمینه ساز سعادت و آرامش و تحکیم خانواده می‌باشد.

حق در لغت

حق در لغت در معانی متعددی، از جمله: ملک، مال، سلطنت، بهره و نصیب، امتیاز و ثبوت آمده است. در عرصه‌های فقهی، حقوقی و سیاسی، به معنای «امتیاز»، «سلطنت» و «اختصاص» بیان شده است.

برای ریشه حق، دو معنای اصلی ذکر شده است: یکی استحکام، استواری و ضد باطل و صدق و وجود ثابت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵) و غیر باطل و نصیب (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱۳) دومی موافقت و مطابقت و وقوع شی در محل خویش و در تمام مصادیق قابل تطبیق است. (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۹) اما از میان معانی فوق، معنای «مطابق با واقع بودن»، «سلطنت»، «ثبوت» و همچنین «ثابت» (که معنای وصفی دارد)، ظهور و نمود بیشتری دارد.

واژه «حق» در قرآن کریم ۲۸۷ بار به معانی مختلفی به کار رفته است. (محمد فؤاد عبد الباقي، ذیل واژه «حَقَّ») حداقل ۱۲ معنای گوناگون دارد مانند خدا (مومنون، ۷۱) قرآن (قصص، ۴۸) اسلام (انفال، ۸) توحید (صافات، ۳۷) عدل (نور، ۲۵) راست (انعام، ۷۳) آشکارا (بقره، ۱۴۶)، سزاوار (توبه، ۱۱) درست (یونس، ۱۲) واجب شدن (سجده، ۱۳) وام و قرض (بقره، ۲۸۲) و بهره (معارف، ۲۴).

معنای «حق» در قرآن در دو دسته قابل بررسی می باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۳۴-۳۹)

الف: معانی غیر حقوقی حق در قرآن

معانی به کار رفته در قرآن، در این قسمت به اختصار به شرح ذیل است:

- ۱- گاهی حق، به منزله صفت برای خدای متعال به کار رفته است. حج، ۶۲ و لقمان، ۳۰ و نور، ۲۵
- ۲- در برخی آیات به معنی «فعل حکیمانه و در مقابل عبث، ولهو ولعب» استعمال شده است، (روم، ۸)
- ۳- گاهی در مورد «وعده های قطعی خدا» به کار رفته است. (روم، ۶۰)
- ۴- هم به معنی «هدایت»، و در مقابل ضلالت و گمراهی مطرح می شود. (یونس، ۳۲)
- ۵- در مواردی به عنوان وصفی برای دین خدا، (فتح، ۲۸) وحی، (فاطر، ۳۱) قصص، (آل عمران، ۶۲) و حکم (ص، ۲۶) آمده است.

ب: معانی حقوقی حق در قرآن

در مواردی که در قرآن واژه «حق» در معنای حقوقی (حق داشتن) بکار رفته است.

- ۱- گاهی به عنوان صفتی برای فعل انسان مکلف آمده است. (بقره، ۶۱) یا رعایت بهره زوجه از سوی زوج در احکام طلاق، (بقره، ۲۳۶ و ۲۴۱) و یا به معنای نصیب یا بهره‌ای که متعلق به فرد خاصی است، مانند آیاتی که به دادن حق خویشاوندان، مسکینان و در راه ماندگان امر می‌کند،

(اسراء، ۲۶ و روم، ۳۸) یا نگاه داشتن بهره‌ای معین از اموال را برای سائل و محروم، از ویژگی‌های نمازگزاران و متقین برمی‌شمارد. (ذاریات، ۱۹ و معارج، ۲۴)

۲- در مواردی «حق» به همان معنای حقوقی، مثلاً قرض‌دادن (بقره: ۲۸۲) و (ذاریات، ۱۹ و معارج، ۲۴ و انعام، ۱۴۱ و اسراء، ۲۶ و روم، ۳۸) به کار رفته است.

سخن از حق الزاما با بکار بردن واژه حق در آیات قرآن نیست، بلکه گاهی حقیقتی مطرح می‌شود که در بر دارنده حقی است که یا حق حضرت باری تعالی بر افراد است و یا حق افراد بر دیگر افراد و یا حق فرد بر خود اوست.

مصادیق حق در روایات

در کتب حدیثی، واژه «حق» به معنای حقوقی دلالت دارد. این معنا در ابعاد گوناگون (مانند حق خدا بر انسان، حق اعضا و جوارح و حقوق متقابل انسان‌ها در مناسبات اجتماعی) مطرح می‌شود.

حق خدا بر انسان

خدای متعال، آفریدگار و مالک همه هستی است؛ زیرا همه هستی از شئون خداوندی است. خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۱ سوره فصلت^۳ بیان می‌کند که همه هستی به اختیار یا اکراه و اجبار مطیع اویند؛ زیرا نمی‌توانند بیرون از دایره بندگی باشند و هیچ کس را گریزی از این نیست. خداوند همچنین در آیات ۴ و ۷ سوره فتح می‌فرماید^۴ که همه هستی سربازان خداوند هستند و همه تحت اطاعت مطلق اویند و هیچ کس بیرون از اراده و مشیت او چیزی نمی‌خواهد و انجام نمی‌دهد. این بدان معناست که حتی موجودات دارای اراده و اختیار چون جنیان و انسان‌ها نیز از این قاعده و اصل کلی مستثنا نیستند و لذا در آیاتی از جمله ۳۰ سوره انسان و ۲۹ سوره تکویر^۵، از تقدم مشیت الهی بر مشیت انسانی سخن به میان می‌آید تا دانسته شود که مشیت انسان هرگز نمی‌تواند بیرون از مشیت خداوندی باشد.

- امام سجاده (ع) می‌فرماید: خدا بر تو حقوقی دارد که در هر حرکت و هر سکون که و هر جایی که باشی و به هر جایی بروی و هر اندامی را حرکت دهی و هر وسیله‌ای را به کار گیری تو را فرا گرفته است و بعضی از آن حقوق مهم‌تر و بزرگ‌تر از پاره‌ای دیگر است.

نمونه (فریضه روزانه)

- حضرت علی بن الحسین (ع) حق نماز را چنین بیان فرمود: «حق نماز این است که بدانی در محضر خداوندی و تو در برابر خدا ایستاده‌ای؛ پس وقتی این را دانستی، شایسته است در این محضر مانند ذلیل نگرانی که امیدوارانه، رغبت نزدیک شدن به مولا دارد، بامسکنت و بیچارگی ایستاده و محضرش را بزرگ بداری؛ و با آرامش جسم و جان و توجه کامل به معبود، تواضع نموده، آزادیت را از بار خطاها و گناهانی که به بندت کشیده و بسوی هلاکت برده است، تقاضا کنی. و نیروئی نیست مگر به سبب خدا.»^۶

حق انسان بر خود (اعضا و جوارح)

صاحبان حقوق فقط انسان‌ها نیستند. براساس روایات، اعضای بدن نیز حقوقی دارند که باید مراعات شود.

^۳. ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (فصلت، ۱۱)

^۴. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (فتح، ۴) اوست خدایی که سکینت و وقار بر دل‌های مؤمنان آورد تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید، و سپاه قوای آسمانها و زمین همه لشکر خداست و خدا دانا و به حکمت نظام آفرینش آگاه است. وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (فتح، ۷) و سپاه قوای آسمانها و زمین لشکر خداست و خدا بسیار مقتدر و به تدبیر نظام عالم داناست.

^۵. وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (انسان، ۳۰) و تا خدا نخواهد، نخواهید خواست؛ یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (تکویر، ۲۹) و شما [طی راه مستقیم را] نخواهید خواست مگر آنکه خدا پروردگار جهانیان بخواید ^۶. أَنْ لِلَّهِ عَلَيْكَ حَقُّوًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا أَوْ سَكْنَةٍ سَكَنْتَهَا أَوْ مَنَزَلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتْهَا وَ إِلَهٍ تَصَرَّفَتْ بِهَا بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ (رساله الحقوق)

^۷. «فَمَا حَقَّ الصَّلَاةُ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الدَّلِيلِ الرَّاعِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمُسْكِنِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسَّكُونِ وَالْإِطْرَاقِ وَ خُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَ لَبَنِ الْجَنَاحِ وَ حُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَ الطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُكَ وَ اسْتَهِلَكْتُهَا ذَنْبُكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷)

امام سجاده (ع) نیز فرموده: ^۸ اما حق خودت بر خودت آن است که از تمام قوه و نیروی خدادادیت، استفاده کنی و خودت را در مسیر طاعت خداوند قرار دهی، پس ادا نمائی حق زبان و گوش و چشم و دست و پا و شکم و عورت خودت را، و در ادای این حقوق از خدا کمک بخواهی و به او اتکاء کنی.

حق دیگران بر انسان

اما در مناسبات انسان‌ها هر حقی موجب به وجود آمدن حقی برای طرف متقابل می‌شود. از مجموع احادیث چنین برمی آید که صاحبان حقوق بسیاری، از آن جمله، والدین، فرزندان، همسر (حقوق خانواده)، همسایه (جار)، مهمان، برادر، و دوست و... می‌باشد. وحتى فرائض دینی (مانند نماز، حج، روزه و صدقه) نیز بر انسان حق دارند. (سنن ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۱۵ و سنن نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۴، ص ۲۱۱) بیان دو نکته مهم قبل از ورود در بحث

- تساوی شان زن و مرد در اصل بندگی و تفاوت در حقوق های مقرر

خداوند متعال در سوره نسا می فرماید: ^۹ ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را (نیز) از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید پروا نمایید و زنه از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

آیه به وحدت نوعی زن و مرد و یکسان بودن گوهر وجودی انسانها تاکید دارد. خطاب آیه عام بوده اختصاص مومن ندارد. آدم و همسرش رادر اصل انسانیت و حقیقت بشری متحد دانسته، و تفاوتی بین این دو نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص)

- در سوره حجرات می فرماید: ^{۱۰} ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را (مسخره کنند) شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و با لقب های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا زنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند. و کسانی که (از این امور ناهنجار و زشت) توبه نکنند، خود ستمکارند.

نکته: براساس این آیات حقوق طبیعی و انسانی، نکات اخلاقی (فضایل و رذایل) که انسانها (زن و مرد) ملزم به رعایت آنها هستند، تفاوتی در جنسیت ندارند، را بیان می کند.

- در سوره آل عمران می فرماید: ^{۱۱} پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد (و فرمود که) من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباہ نمی کنم.

از این روی، در این آیات برای عبادت، اجر و مزد اخروی و تعالی و کمال روحی، میان زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد حتی در بعضی از موارد، آنگونه سخنی که در باره مریم (آل عمران، ۴۲) و آسیه (تحریم، ۱۱) فرموده در حق مردان نیامده است. در واقع ضمن ستایش از بعضی زنان، و ذم بعض دیگر (همسر نوح و لوط) ^{۱۲} آنها را نمونه و الگوی همه انسانها (مرد و زن) در کفر و ایمان، معرفی می کند. دست کم تساوی این دو جنس را در کمالات و رذایل انسانی نشان می دهد.

^۸. وَ أَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْوِفَهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ فَتَوَدَّى إِلَى لِسَانِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى سَمْعِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى بَصَرِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى يَدِكَ حَقُّهَا وَ إِلَى رِجْلِكَ حَقُّهَا وَ إِلَى بَطْنِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى فَرْجِكَ حَقَّهُ وَ تَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى ذَلِكَ «(صدوق، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۱۸-۶۱۹)

^۹. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (نسا، ۱)

^{۱۰}. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّغَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (حجرات، ۱۱)

^{۱۱}. فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى (آل عمران، ۱۹۵)

^{۱۲}. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ ۚ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ (تحریم، ۱۰) خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده که تحت سرپرستی و زوجیت دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، ولی [در امر دین و دین داری] به آن دو [بنده شایسته ما] خیانت ورزیدند، و آن دو [پیامبر] چیزی از عذاب خدا را از آن دو زن دفع نکردند و [هنگام مرگ] به آن دو گفته شد: با وارد شوندگان وارد آتش شوید.

به اعتقاد کارل ارنست، به سختی می توان نمونه دیگری از متن اصیل دینی پیدا کرد که به این شکل موضوع جنسیت را مطرح کرده است. (کارل، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳)

– نمونه ای از تساوی در ایمان زن و مرد و پاداش آنها

– قرآن در سوره نسا می فرماید: و کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته به جا آورده اند به زودی آنها را در بهشت هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری است درمی آوریم، که در آن جا برای ابد جاودانه اند، وعده حقیقی است که خدا داده، و چه کسی در گفتار از خدا راستگوتر است؟^{۱۳} و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند یا زن در حالی که مؤمن باشند آنان داخل بهشت می شوند و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند.^{۱۴}

بر این اساس، از نظر اسلام هیچ فرقی بین زن و مرد نیست، برخلاف پندار بعضی انسانها مانند هند و مصر (اعمال صالح زنان پاداش ندارد) و بعضی دیگر مانند یهود و مسیحیت (زنان نزد خدا خوار و بی مقدارند) و همه کرامت ها و حرمت ها متعلق به مردان است، اسلام زن و مرد را از نظر عمل و جزا، یکسان معرفی می کند. (طبا طبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۸)

و همچنین در آیه ۴۰ سوره غافرو ۷۲ سوره توبه، به این مهم اشاره شده است. حاصل ایمان و عمل پسندیده که زندگی پاکیزه و اجر و مزد و پاداشی که در عالم آخرت و گاهی نمایی از آن در این دنیا مشاهده می شود. زن و مرد جدا نیستند و خدای حکیم فرقی بین این دو جنس ندیده است.

ارزش وجودی زن در آینه آیات و روایات

آیاتی در کمال صراحت مومنین و مومنات، مسلمین و مسلمات و... را از نظر انسانی، به صورت عام و یکسان در کنار هم قرار می دهد. خداوند متعال می فرماید: و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است.^{۱۵}

با این کلام خداوند، حال تمام افراد مومن را بیان می کند تا منافقین بدانند مردان و زنان مومن با همه کثرت و پراکندگی در حکم یک تن واحد اند.

و در سوره احزاب می فرماید: آموزش و پاداشی بزرگی برای مردان و زنان مسلمان، با ایمان، عبادت پیشه، راستگو، شکیب، فروتن، متصدق، روزه دار، حافظ بر امور جنسی، آماده کرده است.^{۱۶} دین اسلام در کرامت و حرمت اشخاص از نظر دین داری، میان زن و مرد فرقی قرار نداده است.

نتیجه و تطبیق: ارزش وجودی زن به اندازه مرد بوده و پاداش و کیفر یکسانی خواهند داشت.

مسئولیت متقابل یا مسئولیت مشترک

وقتی خداوند متعال به دوازده تفاوت های فیزیولوژی بدن انسان، زن و مرد را یکسان دیده، زندگی اجتماعی نیز باید به این شکل باشد. بدین جهت قرآن، و به مناسبت از سوی امامان، حقوق مشترکی را برای زن و مرد معین نموده است.

قرآن می فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره، ۲۳۳) و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست. خداوند متعال تصمیم گیری در امورات را بر عهده هر دو طرف (زن و مرد) واگذار نموده است؛ چرا که لذت زندگی مشترک در این همدلی و همراهی است.

و باز در تقویت این امر، می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره، ۱۸۷) زنان لباس وزینت شما و شما نیز لباس وزینت زنان هستید. نکته: یعنی هر کدام از زن و مرد (شرکای یک زندگی) نمی توانند خود را از دیگری مجزا، و احیاناً برتری بر دیگری تصور کنند و باید با مساعی هم نقص همدیگر را پوشش داده و بر طرف نمایند.

^{۱۳}. وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سُدَّ خُلُوفُ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَذَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نسا، ۱۲۲)

^{۱۴}. وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (نسا، ۱۲۴)

^{۱۵}. الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه، ۷۱)

^{۱۶}. إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب، ۳۵)

در آیات و روایات به تکالیف و مسئولیت های متقابل همسران در کنار حقوق آنان پرداخته شده است. البته هر تکلیفی برای همسری، حقی برای او ایجاد می کند؛ زیرا در باطن هر حقی تکلیفی و در باطن هر تکلیفی حقی نهفته است.

- پیامبر خدا فرمودند: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ» (احمد، بی تا، ج ۶، ص ۲۵۶ و ابن اثیر، ۱۳۸۳ ق، ج ۲، ص ۴۹۲) زنان نیمه دوم مردان هستند. ابن منظور و زبیدی در معنای شقایق نوشته اند: زنان مانند مردان در خلق و خوی و سرشت اند، گویا از آنها جدا شده اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۴۵۸ و زبیدی ۱۴۱۴ ق، ج ۲۵، ص ۵۱۷)

جوادی آملی نیز می گوید: قوام بودن مربوط به مدیریت اجرایی است؛ تلاش و کوشش برای تحصیل مال و تأمین نیازمندی های منزل و زندگی است. و این متضمن افضلیت بر زن نیست^{۱۷}. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۲)

- پیامبر (ص) درباره مسئولیت های متقابل همسران می فرماید: همه ی شما مسئول زیردستان خود هستید و باید پاسخگو باشید؛ امام از مردمش، مرد از همسرش، زن از رفتار در خانه ی همسرش و بنده از مال و دارایی مولایش. همچنین فرمودند: خداوند از من نیز سؤال می کند که آیا ابلاغ رسالت کردم یا نه؟^{۱۸}

انجام مسئولیت های متقابل زمینه ساز بهره مندی از بهشت و برکاتی از جمله شفاعت در روز قیامت است.

نقش مولفه محبت و مهربانی مکمل آرامش، در تحکیم خانواده از منظر دستورات دین

محبت در لغت

«حُبّ» از ماده «ح ب ب» ضد «بُغْض» و به معنای علاقه قلبی و دوست داشتن است. مخالف و نقیض بغض (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۸۹) مهربانی، در حقیقت، نرمی و ملایمت در رفتار است. مهربانی و ملاطفت در رفتار ممکن است برخاسته از محبت قلبی نباشد و دلیل های دیگری همچون دل سوزی و ترحم، احساس وظیفه یا اطاعت داشته باشد. یا از آنجاکه محبت، تمایل نفس است (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۲) یک نوع کشش و جاذبه ای است که باید مطابق نفس انسان باشد، بعضی اصل بخشش را در محبت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶) مندرج می دانند.

واژه «محبت» تنها یکبار در قرآن کریم آمده است: «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي» (طه، ۳۹) و من محبتی از خودم بر تو افکندم. اما مشتقات آن در ۹۴ آیه در قرآن کریم آمده است.

بیان

خانواده نخستین کانون رشد و آرامش انسان است. که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین بوده و موجب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید. قرآن و روایات برای خانواده اهمیت ویژه ای قائل شده و احکام و آداب فراوانی برای رشد و بالندگی آن مقرر کرده اند. که افزون بر رعایت آن ها برای رفاه و آسایش و رشد و تعالی خانواده، باید از خداوند سببان نجات و آرامش خانواده را خواست.

اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه ی این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می دهد و می فرماید: خداوند از خانه های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد.^{۱۹}

واژه «سکن» هر چیزی را گویند که انسان به وسیله ی آن آرامش یابد (راغب، ماده سکن) انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رهاسدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محرمان نیاز دارد. اگر خانه تأمین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود.

ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودّت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضایی که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است.

^{۱۷} بحث در این موضوع، در مقاله «عناصر اخلاقی و اجتماعی تشکیل دهنده ی ازدواج در سبک زندگی از دیدگاه قرآن و حدیث» در مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی، شماره ۱۲، جلد ۲ تابستان ۱۳۹۷، ص ۶۸-۸۹ از نویسنده مسئول، چاپ شده است.

^{۱۸} «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ، وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ» (صحیح بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۲۵)

^{۱۹} «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل، ۸۰)

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از رهاورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده های اجتماعی است. اساساً اجبار و اکراه و زورگویی در زندگی عاطفی و خانوادگی نتیجه ندارد.

کمبود محبت در خانه، چه بین زن و شوهر و چه بین آن ها و فرزندان، منجر به فروپاشی نظام خانواده می شود و خانواده بی محبت و عاری از رأفت و مهربانی، افراد ناسالم و پر خاشاک و افرادی که دچار بیماری روحی و روانی هستند، تحویل جامعه می دهد. که قادر به پیشرفت و تعالی روحی و معنوی و حتی پیشرفت مادی نخواهند بود. تأثیر قانون، محتاج رأفت و مهربانی است. و خانواده فاقد محبت مبتلا به مرگ تدریجی است. امام سجاده (ع) در جملات زیر این اصل (محبت) را در خانواده بیان می فرماید.

- قال السجاد (ع) «حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النِّكَاحِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنْ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً» خداوند متعال، زن را برای آرامش، انس و نگداری مرد آفریده است.

هر محیطی شرایط خاص خود را می طلبد. مدیریت خانه با سایر مجموعه ها متفاوت است. باید دانست که خانه، محیط سکونت، آرامش، انس، صفا و صمیمیت می باشد. و این ویژگی ها در آموزه های دین، به واسطه زن شکل می گیرد. خداوند می فرماید: و از نشانه های (قدرت و ربوبیت) او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد^{۲۰} یقیناً در این (کار شگفت انگیز) نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند.

معمولاً آرامش بعد از بی قراری و تحرک است که انسان به دنبال کمال می گردد. یعنی موجود ناقص تلاش می کند تا تکامل یابد، وقتی کامل شد آرامش به ارمغان دارد و مرد بدون زن، وزن بدون مرد به آرامش نمی رسد؛ چون کامل نشده است.

در حدیثی می خوانیم، محبت بین زوجین در اثر عنایت خداوند متعال می باشد^{۲۱}. و اساس دین را بر محبت استوار شده است.^{۲۲} برتراند راسل در کتاب زناشویی و اخلاق می گوید: «کاری که منظور از آن فقط درآمد باشد نتایج مفیدی به بار نخواهد آورد. برای چنین نتیجه ای باید کاری پیشه کرد. که در آن ایمان به یک فرد، به یک مرام یا یک غایت نهفته باشد. عشق نیز اگر منظور از آن وصال محبوب باشد. کمالی در شخصیت ما به وجود نخواهد آورد و کاملاً شبیه کاری است که برای پول انجام می دهیم. برای وصول به این کمال باید وجود محبوب را چون وجود خود بدانیم و احساسات و نیات او را از آن خود بشماریم.» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص، ۲۵۳)

- قال الصادق (ع) «كُلُّ مَنْ اشْتَدَّ لَنَا حَبًّا اشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حَبًّا» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۴) هر کس علاقه اش به ما بیشتر باشد، علاقه اش به زن بیشتر است.

۲۰. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم، ۲۱)
 ۲۱. إِنَّ رَجُلًا آتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ أَمْرِ وَائِهِ لَعَجَبٌ، إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ وَمَا رَأَاهَا وَمَا رَأَتْهُ قَطُّ حَتَّى إِذَا ابْتَنَى بِهَا اصْطَحَبَهَا وَمَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِمَا مِنَ الْآخِرِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۹۹ و میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۴۶) - «مردی خدمت پیامبر (ص) رسید و با شگفتی گفت: چگونه است که مردی با زنی ازدواج می کند که هرگز پیش از آن، نه او آن زن را دیده و نه آن زن، او را؛ اما همین که ازدواج صورت می گیرد و مرد بر زن وارد می شود و همدم می گردند، هیچ چیز برای آنها دوست داشتنی تر از دیگری نیست؟! پیامبر خدا (ص) در پاسخ او، به قرائت این بخش از آیه مورد بحث (آیه ۲۱ سوره روم) بسنده کرد و فرمود: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و خداوند، میان شما مودت و رحمت نهاد.

۲۲. عن برید بن معاویة العجلی قال كنت عند أبي جعفر (ع) «إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَّاسَانَ مَاشِيًا فَأَخْرَجَ رَجُلِيهِ وَ قَدْتَفَلْتَا وَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا جَاءَنِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حَبِيبُكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) وَاللَّهِ لَوْ أَحْبَبْنَا حَجَرَ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا، وَ هَلْ الدِّينَ إِلَّا الْحَبُّ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» وَ قَالَ «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» وَ هَلْ الدِّينَ إِلَّا الْحَبُّ قَالَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۲۷، ص ۹۵) - بُرَيْدٌ عَجَلِيٌّ مِي گويد: در محضر امام باقر (ع) بودم. مسافری از خراسان که آن راه دور را پياده طی کرده بود به حضور امام شرفیاب شد. پاهایش را که از کفش درآورد شکافته شده و ترک برداشته بود. گفت: به خدا سوگند من را نیاورد از آنجا که آدمم مگر دوستی شما اهل البيت. امام فرمود: به خدا قسم اگر سنگی ما را دوست بدارد، خداوند آن را با ما محشور کند و قرین گرداند «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ» آیا دین چیزی غیر از دوستی است؟ عن ربی بن عبد الله قال: قيل لأبي عبد الله (ع): «جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنَّا نَسْمِي بِأَسْمَائِكُمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِكُمْ فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ فَقَالَ إِي وَ اللَّهِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ قَالَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۲۷، ص ۹۵) - مردی به امام صادق (ع) گفت: ما فرزندانمان را به نام شما و پدرانمان اسم می گذاریم. آیا این کار، ما را سودی دارد؟ حضرت فرمودند: آری به خدا قسم «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ» مگر دین چیزی غیر از دوستی است؟ سپس به آیه ی شریفه ی: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران، ۳۱) استشهد فرمود.

- پیامبر خدا(ص) فرمودند: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَيَسْعُوَهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ» (صدوق، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۹۴) شما اگر به وسیله ی اموال خود نمی توانید علاقه ی مردم را به خود جلب کنید. پس این کار را با اخلاق نیکوی خود انجام دهید

قران مجید علاوه از مراعات حقوق واجب به همسر، سفارش های متعدد، مثل، با آنان به نیکی معاشرت کنید^{۲۳}. حقوق متقابل^{۲۴} هزینه های جاری زندگی^{۲۵} حتی در هنگام جدایی و طلاق^{۲۶} نموده است.

با توجه به مطالب فوق معلوم می شود امام سجاد(ع) همه حقوق واجب مردان برای همسر را در مودت و رحمت خلاصه می کند. که ریشه همه خوبی ها است. و با تصحیح مبانی تفکر انسان و باز خوانی اندیشه، می آموزد. باید اصل تحکیم خانواده را در مودت و رحمت جستجو نمود. کما اینکه این مودت و رحمت در جای جای دین مورد عنایت واقع شده است.

یکی از نیازهای روانی هر انسانی بنا به ترسیم هرم سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو^{۲۷} (محبت) است. این محبت قبل از هر چیز نسبت به خود است و سپس قدر و منزلتی که توسط دیگران برای فرد حاصل می شود. اگر آدمیان نتوانند نیاز خود به محبت را از طریق رفتار سازنده برآورند، در این حالت ممکن است فرد برای ارضای نیاز جلب توجه و مطرح شدن، به رفتار خرابکارانه یا نسنجیده متوسل شود. دل انسان به محبت زنده است و روحش هم با محبت آرام می گیرد و کانون خانوادگی بیش از هر چیز احتیاج به محبت دارد. این فروغ محبت است که خانه را روشن می کند و هر خانه ای که با چراغ محبت روشن نباشد خانه ی خاموشان است.

برای این که بنیان زناشویی استوار و محیط خانه به چراغ محبت همیشه روشن گردد. باید محبت دوطرفه باشد؛ زیرا دل ها به هم راه دارند و «محبت»، محبت می آورد و لذا در اسلام همان طور که به زن سفارش شده و تأکید شده است که شوهر خود را دوست بدارد و به مرد هم تأکید شده است که همسر خود را دوست بدارد و او را مورد احترام و اکرام قرار بدهد. که آثار محبت میان زن و شوهر باید در رفتار و گفتار هر دو نمایان باشد. وارزش محبت در خانه به اندازه ای است که از عوامل آرامش برای زندگی مرد به شمار آمده^{۲۸}، همراهی و گفت و گوی با وی نیز از کارهای پسندیده شمرده شده است. شاید برتری دورکعت نماز شخص همسردار از عبادت شبانه بی همسر بلحاظ اظهار محبت به وی باشد. امام صادق (ع) فرمود: دورکعت نماز متاهل برتر از هفتاد رکعت مجرد است^{۲۹}.

۲۳. عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (نسا، ۱۹)

۲۴. وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره، ۱۲۸)

۲۵. رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره، ۲۳۳)

۲۶. فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ (بقره، ۲۳۱)

۲۷. این نظریه از نظریه های محتوایی در مورد انگیزش به شمار می آید. نظریه های محتوایی چپستی رفتارهای برانگیخته را شرح می دهند. به اعتقاد مزلو نیازهای آدمی از یک سلسله مراتب برخوردارند که رفتار افراد در لحظات خاص تحت تأثیر شدیدترین نیاز قرار می گیرد. هنگامی که ارضای نیازها آغاز می شود، تغییری که در انگیزش فرد رخ خواهد داد بدین گونه است که به جای نیازهای قبل، سطح دیگری از نیاز، اهمیت یافته و محرک رفتار خواهد شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان سلسله مراتب نیازها اوج گرفته و پس از ارضاء، فروکش کرده و نوبت به دیگری می سپارند. نیازهای نیازهای زیستی، امنیتی، نیازهای اجتماعی، احترام و محبت، خودشکوفایی و خودانگیزی. (رضائیان، علی؛ مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت، ۱۳۷۹، اول، ص ۱۰۴-۱۱۱)

۲۸. وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف، ۱۸۹)

۲۹. قَالَ الصَّادِقُ (ع) «رَكَعَتَانِ يَصَلِّيَهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يَصَلِّيُهَا غَيْرَ مُتَزَوِّجٍ» (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹، ح ۱۵)

۲۰. عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ زَوْجَةٌ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: لَا أَحَبُّ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، وَ أَنِّي أَبِيتُ لَيْلَةً لَيْسَ لِي زَوْجَةٌ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَكَعَتَيْنِ يَصَلِّيَهُمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَقُومُ لَيْلَةً وَ يَصُومُ نَهَارَهُ أَعْزَبُ. ثُمَّ أَعْطَاهُ أَبِي سَبْعَةَ دَنَائِيرَ قَالَ: تَزَوَّجْ بِهِدِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۹)

نتیجه معنوی محبت به همسر

- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) «وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةٌ، إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۶)
- هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را خوشحال سازد، مگر اینکه خداوند متعال در روز قیامت او را شادمان گرداند.
- رسول اکرم (ص): «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ» (نهج الفصاحه ص ۲۷۸) وقتی مردی به همسر خود نگاه کند و همسرش به او نگاه کند خداوند بدیده رحمت به آنان نگاه می کند.
- امام باقر (ع): «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ إِكْرَامًا لِحَلَالِهِمْ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ص ۳۱۱) گرمی ترین شما نزد خدا، کسی است که بیشتر به همسر خود احترام بگذارد.
- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹) پیامبر خدا فرمود: این که مرد به همسرش بگوید: «من تو را دوست دارم» هیچ گاه از قلب همسرش بیرون نخواهد رفت.
- در کنار همسر نشستن بهتر از اعتکاف: پیامبر عزیز اسلام (ص) می فرمایند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» (ورام، ۱۴۳۶، ج ۲، ص ۱۲۲ و ری شهری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۸۷) نشستن مرد در کنار خانواده اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی تر از اعتکاف [و نشستن] در این مسجد من است.
- پیامبر (ص) می فرماید: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَ زَوْجُهَا عَنْهَا رَاضٍ دَخَلَتْ الْجَنَّةَ» (نهج الفصاحه، ص ۳۹۵) هر زنی، از دنیا برود و شوهرش از او راضی باشد، به بهشت می رود.
- امام باقر (ع) نیز می فرماید: «لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحُ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا ...» (صدوق، ۱۳۶۳، ص ۵۸۸) هیچ شفاعت کننده ای برای زن نزد پروردگارش نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست.

نتیجه گیری

سعادت خانواده و جامعه، عوامل متعددی را به کمک می طلبد. تا بنای محبوب خداوند متعال را ایجاد نموده و در جامعه تسری دهند. اگر در فرمایشات پیشوایان دین و رساله حقوق امام سجاد (ع) که در متن به بعضی اشاره شده دقت شود، رفتار محبت آمیز زن و مرد در محیط خانواده باهمدیگر، رضایت مندی در این دنیا، و زمینه سازی ملاقات خدا با چهره شادمانی و محبت خدا و ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر و اهل شفاعت بودن در قیامت، وکلید ورود به بهشت خواهد بود.

منابع

قران

- ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۳۸۳.
- ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
- انصاری، عبدالله بن محمد(خواجه عبدالله)، شرح منازل السائرین، الزهراء، تهران، ۱۳۷۹.
- بخاری محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، (چاپ محمد ذهنی افندی)، استانبول ۱۴۰۱ق.
- پابنده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای نشر، تهران، ۱۳۸۲.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی و هوالجامع الصحیح، چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت ۱۴۰۳.
- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف والبيان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲.
- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، اسراء، قم، ۱۳۷۷.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه، مصحح علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳ش.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محدث عاملی، ناشر آل البيت، چاپ قم، سال ۱۴۰۹ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سید کیلانی، تهران، ۱۳۳۲ش.
- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ علی شیر، بیروت ۱۴۱۴.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲ش.
- صدوق، محمد بن علی، مَن لایحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۱۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، مطبوعات دارالعلم، ۱۳۷۴.
- فیض کاشانی، محسن، المحجۀ البيضاء، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۳.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، چاپ ششم.
- کارل، انست، اقتدا به محمد(ص)، ترجمه قاسم کاکایی، هرمس، تهران، ۱۳۹۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، مصحح غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۷.
- مصباح، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، نگارش محمد شهرابی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۷.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، ۱۳۷۶.
- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، بی تا، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- نسائی، احمد بن علی، سنن النسائی، بشرح جلال الدین سیوطی، بیروت ۱۳۴۸ق.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت(ع)، قم، ۱۴۰۸.
- ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر(مجموعه ورام) مکتبه الفقیه، قم، ۱۴۳۶ق.